



Comparing the Causes of D from the Point of View of Men and Women Applying for a Consensual Divorce

Esmail Safari^{1*}, Parvaneh Golnavazi²

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran

2. MA of Clinical Psychology, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran

Citation: Safari, E., & Golnavazi, P. (2022). Comparing the causes of divorce from the point of view of men and women applying for a consensual divorce. *Clinical Psychology Achievements*, 8(3), 135-144

Abstract

One of the most important challenges of today's societies, which has become extremely common, is the reality called divorce. Which imposes various harmful personal and social consequences on individuals and society. The present study was conducted with the aim of comparing the causes of consensual divorce from the perspective of couples applying for consensual divorce in Dezful city. The research method was a combination of qualitative and quantitative type. The statistical population includes all the couples applying for a consensual divorce who went to the psychological centers of Dezful city for counseling in the second half of 2022 through registration in Zaman system. A total of 62 couples (equivalent to 124 people, 62 women and 62 men) were studied using available sampling. The data collection tool was structured interview by the welfare organization and semi-structured interview by the researcher. The results of the research showed that the most common reasons for divorce in men were sexual dissatisfaction, neglect of the wife and the interference of others. And the most common reason for divorce among women was beating, sexual dissatisfaction and Unemployment (economic irresponsibility) and poverty. The results of the research show the lack of mutual understanding and recognition of couples and the existence of an urgent need for counseling and training before marriage and before divorce.

Keywords: consensual divorce, causes of divorce, couples



مقایسه علل طلاق از دیدگاه مردان و زنان متقاضی طلاق توافقی

اسماعیل صفری^{۱*}، پروانه گلنوازی^۲

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع کنونی که به شدت رایج شده واقعیتی به نام طلاق است؛ که پیامدهای زبان‌بار فردی و اجتماعی متنوعی را بر افراد و جامعه تحمیل می‌کند. پژوهش حاضر باهدف مقایسه علل طلاق از دیدگاه زوجین متقاضی طلاق توافقی در شهرستان دزفول انجام شد. روش پژوهش ترکیبی از نوع کیفی و کمی بود. جامعه آماری شامل کلیه زوج‌های متقاضی طلاق توافقی است که در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ از طریق ثبت‌نام در سامانه زمان برای مشاوره به مراکز روان‌شناسی شهرستان دزفول مراجعه کرده‌اند. در مجموع ۶۲ زوج (معادل ۱۲۴ نفر، ۶۲ زن و ۶۲ مرد) با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه ساختاریافته توسط سازمان بهزیستی و مصاحبه نیمه ساختاریافته توسط پژوهشگر بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که شایع‌ترین دلایل طلاق به ترتیب در مردان نارضایتی جنسی، بی‌توجهی به همسر و دخالت دیگران بوده است؛ و شایع‌ترین دلیل طلاق در بین زنان ضرب و شتم، نارضایتی جنسی و بیکاری و فقر بوده است. نتایج پژوهش نشانگر عدم تفاهم و شناخت متقابل بین زوجین و وجود نیاز مبرم به مشاوره و آموزش‌های لازم قبل از ازدواج و پیش از طلاق هست.

واژه‌های کلیدی: طلاق توافقی، علل طلاق، زوجین

مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در تمامی جوامع بشری به‌عنوان اولین، کوچک‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین نهاد اجتماعی محسوب می‌شود. وجود یک جامعه‌ی سالم، به تشکیل خانواده‌های پایدار، پویا بانشاط وابسته است (امیدیان فر و همکاران، ۱۳۹۴). خانواده نهادی است که به اعضای خود احساس امنیت و آرامش می‌بخشد و طی هزاران سال پایدارترین و مؤثرترین وسیله‌ی حفظ ویژگی‌های فرهنگی و عامل انتقال آن به نسل‌های بعدی بوده است؛ اما امروزه احساس امنیت و آرامش و روابط صمیمانه بین زن و مرد به سستی گراییده است و خانواده به گونه‌ی فزاینده‌ای با نیروهای مخرب مواجه شده است و تهدید مهمی برای سلامت جامعه به شمار می‌آید (ستوده، ۱۳۸۳: ۲۰۱). امروزه خانواده با چالش‌ها و آسیب‌هایی مواجه است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها طلاق و افزایش میزان آن است (اسحاقی، ۱۳۹۱: ۹۸). طلاق یکی از مهم‌ترین حوادث زندگی می‌باشد، که دربرگیرنده آسیب‌های بسیاری می‌باشد (Cronina et al., 2017). طلاق را می‌توان شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست؛ به‌عبارت‌دیگر، طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص، قانونی، شرعی و عرفی است که پس‌از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکلیفی ندارند (ریاحی همکاران ۱۳۸۶: ۱۱۱). امروزه بسیاری از زوج‌هایی که سابقه زندگی زناشویی آن‌ها طولانی است نیز در معرض طلاق قرار گرفته‌اند (Stepler, 2017). طلاق خواه در شکل رسمی و قانونی و خواه در شکل‌های غیررسمی، همچون متارکه و جدایی، در همه جوامع پدیده‌ای شناخته‌شده است؛ اما در نتیجه تغییرات ارزشی و حقوقی دهه‌های اخیر در کشورهای غربی با رشد بی‌سابقه‌ای روبرو شده است. همچنین در کشور ایران طی سال‌های اخیر شاهد افزایش میزان طلاق هستیم (محمدتقی زاده ۱۳۹۹: ۸۴). طبق گزارش سازمان ثبت‌احوال کشور (۱۴۰۲) آمار ازدواج در سال ۱۴۰۱ برابر با ۱۳۶۵۸۱ هزار و آمار طلاق برابر با ۵۲۱۲۲ هزار، یعنی بیش از یک سوم بوده و این آمار تا پایان تیرماه سال ۱۴۰۲، آمار ازدواج: ۱۹۹۷۲۷ هزار و آمار طلاق: ۶۵۳۵۵ هزار بوده (<https://www.sabteahval.ir/home>) یعنی قریب به ۳۳ درصد بوده، (این آمار به دلیل اینکه در طلاق‌های گرفته شده مزدوجین سال‌های قبل از سال مبدأ نیز وجود داشته و تفکیک نشده، همچنین آمار انواع طلاق و مزدوجین متقاضی طلاق ذکر نشده و این آمار می‌تواند بیش از آمار رسمی ذکر شده باشد. لذا نمی‌توان آمار مقایسه‌ای دقیقی از ازدواج و طلاق در یک سال مشخص به دست آورد).

یکی از انواع طلاق، طلاق توافقی هست. زن و مرد می‌توانند با توافق یکدیگر اقدام به طلاق نمایند لیکن مقصود از طلاق به توافق زوجین این نیست که اراده‌ی زن و مرد به یک اندازه در طلاق مؤثر بوده و به‌منزله‌ی یک قرارداد بین زوجین تلقی می‌شود (مهر پور محمدآبادی، ۱۳۵۲: ۵۲). طلاق توافقی یک پدیده آسیب‌زای نوظهور برای خانواده است که در سال‌های اخیر شدیداً رو به افزایش است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷). متقاضی اجرای حکم طلاق‌های توافقی غالباً زنان هستند. در قانون، طلاق به نام توافقی دیده نمی‌شود و آنچه به این نام شهرت یافته در واقع ذیل عنوان طلاق خلعی یا مبارات است که از جمله طلاق‌های بائن به شمار می‌روند. در طلاق توافقی گاه زن و مرد متفقاً اقدام به تقدیم دادخواست طلاق می‌نمایند که قضات محکمه به طلاق مبارات حکم می‌دهند و گاهی خواهان طلاق زوجه است که زوج نیز با آن موافقت می‌نماید و دادگاه رأی به طلاق خلع می‌کند. با مذاقه در آرای صادره از محاکم خانواده آشکار می‌گردد که در تمامی طلاق‌های توافقی زوجه اقدام به بذل مالی می‌نماید که اکثراً قسمتی یا همه‌ی مهریه هست و نتیجتاً محکمه اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش مطابق با ماده واحد قانون اصلاح مقررات مربوطه به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌نماید. مشاهده‌شده که بعضاً به دلیل ذی‌نفع بودن مردان در این‌گونه طلاق‌ها، در واقع این مرد است که اقدام به طلاق زن می‌نماید، لیکن با راضی نمودن زن به طلاق توافقی، صورت قضیه در محکمه متفاوت شده و زن به دلایل مختلف، بدون مطالبه حقوق خود به طلاق توافقی رضایت می‌دهد (موسوی، ۱۳۹۵: ۲۸۹ و ۲۹۰). عوامل متعددی در بروز طلاق مؤثر است. برخی از تحقیقات در امریکا و کانادا عمده‌ترین عامل طلاق را خیانت و نابرابری در روابط جنسی ذکر کرده‌اند (Doherty 2007; Tobaccowala, 2011). پدیده طلاق امری تک بعدی نیست. بلکه عوامل شخصی، جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی در آن مؤثر است (Rijavec Klobučar & Simonič, 2018). از دیدگاه مسئولان دادگاه‌های قضایی خانواده، علل و عوامل طلاق به چهار بعد:

اجتماعی: (اعتیاد، ازدواج تحمیلی، سنت‌های غلط، مداخله اطرافیان، سابقه دوستی قبل از ازدواج، خشونت‌های خانوادگی و...)

اقتصادی: فقر، بیکاری مرد، استقلال‌خواهی مالی از طرف زنان و...

فرهنگی: (اختلافات مذهبی و فرهنگی، خیانت آشکار و پنهان زوجین، تعصبات فرهنگی و...)

فردی شخصیتی: (مصرف مواد، قماربازی، اختلافات سنی، نازایی، بی‌اعتنایی همسر، بیماری و اختلالات روانی و...)

تقسیم می‌شوند که بیشترین علل آن به عوامل فردی شخصیتی برمی‌گردد (کاملی، ۱۳۸۶: ۱۸۸ و ۱۸۹).

احمدی و امینی (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی علل طلاق در جوامع غربی پرداخته و نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش آن‌ها عوامل مانند تغییر مفهوم ازدواج، قانون تساوی حقوق، یکسان‌سازی نقش زن و مرد و آزادی در روابط جنسی را از علل افزایش طلاق نشان داده است. دمار و همکاران (۱۴۰۱) ضعف مهارت و سواد همسررداری، تغییر شیوه‌های همسرگزینی، افزایش فردگرایی و منفعت‌طلبی، بیکاری، اعتیاد و تبلیغات فضای مجازی مهم‌ترین علل طلاق از نظر خبرگان بوده. خالقی و همکاران (۱۴۰۰) عوامل طلاق در مرحله ابتدایی چرخه زندگی زناشویی از نظر زنان طلاق گرفته شامل مشکلات جنسی و روابط زناشویی، نداشتن مهارت‌های زندگی لازم، مشکلات خانواده مبدأ و عدم بلوغ عاطفی؛ مشکلات اقتصادی و مشکلات فرهنگی و عدم شناخت، می‌باشند. یافته‌های پژوهش تاج‌بخش (۱۳۹۹) نشان داد، از دیدگاه متخصصان و صاحب‌نظران، عوامل تأثیرگذار در ارتباط با وقوع پدیده طلاق به ترتیب: عامل عدم پایبندی به تعهدات زناشویی، عدم اطلاع از آسیب‌های ناشی از طلاق و عامل ناآگاهی و کمبود مهارت‌های عاطفی و ابراز علاقه (مهارت‌های ارتباطی) و نقص جسمانی یا ظاهری زن یا مرد را ذکر کرده‌اند. نتایج پژوهش بهرامی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که ۴ عامل زمینه‌ساز برای طلاق شامل عدم آمادگی برای ازدواج، نداشتن سلامت روان و مهارت‌های مدیریت هیجانات، روابط زناشویی نامطلوب و آسیب‌های اجتماعی هست. دلیری (۱۳۹۸) متغیرهای اقتصادی قادر به توضیح بخشی از تغییرات میزان طلاق در کشورند. در پژوهش یعقوبی چوپری و همکاران (۱۳۹۸) مشخص شده که بین ابعاد سبک زندگی (مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و مصرف رسانه‌ای) با گرایش به طلاق توافقی همبستگی معنی‌داری وجود دارد. پور نصیری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود ۱۲ مقوله اصلی و یک مقوله هسته را به‌عنوان عامل طلاق استخراج کرده‌اند. ۱۲ مقوله اصلی عبارت‌اند از: ادراک ناپختگی برای ازدواج، آشنایی و شناخت شتاب‌زده، دخالت و اهمیت نظر دیگران مهم، نا همراهی خانواده با ازدواج، تفاوت منزلتی پایگاهی، پیمان‌شکنی همسر، مجادله‌های پی‌درپی، توافق برای جدایی، چانه‌زنی و سازش بر سر مهریه، رنج جدایی، رضایت از ازدواج مجدد و اعتقاد به زندگی بهتر بعد از جدایی. هسته مرکزی که کل بحث حول آن سازمان می‌یابد نیز، تحت عنوان سطحی‌نگری، سست‌عهدی و ناهمسانی: گذرگاه طلاق توافقی ارائه گردیده است. مشفق (۱۳۹۵) شکل توزیع قدرت در خانواده، دخالت اطرافیان، رفتارهای خشونت‌آمیز و مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده طلاق در کشور هستند. یافته‌های پژوهش موسوی (۱۳۹۵) شامل ۶ مقوله عمده بازاندیشی در نقش مرد به‌عنوان نان‌آور خانواده، روابط جنسی نامطلوب، درگیری عاطفی، اختلافات فرهنگی-اجتماعی-فشار هنجاری اطرافیان و اختلالات شخصیتی و رفتاری هست. مقوله هسته-محوری این بررسی (جهت‌گیری زنان نسبت به طلاق توافقی) است. حسینی (۱۳۹۴) در پژوهش خود عوامل طلاق را دخالت خانواده‌ها، اعتیاد همسر، میزان تحصیلات زوجین، انتظارات برآورده نشده همسران و ازدواج اجباری ذکر کرده. بلوردی و همکاران (۱۳۹۴) عوامل تعیین‌کننده طلاق را علاوه بر عوامل کلیشه‌ای در موارد همچون روابط قبل از ازدواج و عدم درک صحیح از مرادوات جنسی یافته. قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۲) بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی به ترتیب مربوط به دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، دروغ‌گویی، سوءظن و بدبینی، بی‌توجهی، تنفر و نداشتن علاقه و خیانت بوده است. برخی نتایج پژوهش ساروخانی و قاسمی (۱۳۹۱) در مورد عوامل مؤثر در افزایش طلاق توافقی نشان داده که تقابل ساختار سنتی و مدرن در جامعه کنونی ایران، فردگرایی نیمه‌تمام، افزایش آگاهی و اشتغال زنان تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به ازدواج، جامعه‌پذیری ناقص و کاهش کنترل اجتماعی از عوامل افزایش طلاق توافقی در جامعه است.

سورجانتی (Surjanti, 2023) در پژوهشی دلایل حاکم بر پرونده‌های طلاق را دعواها و اختلافات مداوم، ترک یک طرف و عوامل اقتصادی دانسته. موتالیبونا (Mutalibovna, 2022) علت طلاق را خشونت شوهر در منزل عنوان کرده. (Nursyifa, 2020) در پژوهش خود نشان داده که استفاده منفی از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند عامل طلاق در خانواده باشد، وجود شبکه‌های اجتماعی می‌تواند ردپای خیانت زوجین را ثبت کند که منجر به درگیری مداوم می‌شود. (Akter, 2012) روابط خارج از ازدواج، سوء مصرف مواد، آزار جسمی، رها شدن، دخالت زن و شوهر، چندهمسری، مشکلات شخصیتی، فعالیت مجرمانه و بیکاری شوهران را از عوامل اصلی طلاق در بین زنان بنگلادش دانسته. (Kalmijan, 2004) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان افزایش طلاق توافقی زنان شاغل»، نشان داده‌اند، اگر زنان به علت کار دارای درآمد باشند و نیز محل کارشان نیز برایشان جذاب و جالب توجه باشد، میزان طلاق نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر عوامل اقتصادی، طرفداری زنان از هنجارهای آزادی‌بخش به‌طور قابل توجهی میزان طلاق را افزایش می‌دهد. پژوهش (Guttman, 1999) در جهت پیش‌بینی طلاق، وجود ۶ نشانه را در روابط زوجین در رسیدن به طلاق عنوان کرده است که عبارت‌اند از: شروع خشونت‌بار رفتاری؛ گفتمان توأم با انتقاد، اهانت، حالت تدافعی و کارشکنی؛ بی‌توجهی؛ واکنش‌های فیزیولوژیکی؛ شکست اقدامات ترمیمی - اصلاحی؛ جاودانه شدن خاطرات بد یا اندیشه‌های منفی پیرامون ازدواج (Rogers & Amato, 1997) طی پژوهشی طولی به این نتیجه رسیدند که مسائلی از قبیل خیانت جنسی، حسادت، نوشیدن الکل، ولخرجی، بداخلاقی، عدم ارتباط و عصبی بودن، طلاق والدین و پایین بودن سن ازدواج میزان طلاق را افزایش می‌دهند.

علل طلاق در مردان و زنان متفاوت است اما در بیشتر پژوهش‌ها به بررسی علت طلاق به‌صورت کلی و کمتر به علل طلاق از دیدگاه هر یک از زوجین به‌صورت جداگانه و مقایسه آن‌ها باهم پرداخته شده است. این در حالی است که علت اصلی طلاق را باید در عدم توافق و تفاهم دانست و شناخت و آگاهی زوجین از وجوه تشابه و تفاوت همدیگر می‌تواند عامل مهمی برای جلوگیری از طلاق باشد؛ بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که علل طلاق مردان و زنان متقاضی طلاق توافقی در شهرستان دزفول چیست؟ و آیا بین علل طلاق مردان و زنان تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی به لحاظ گردآوری داده‌ها، با توجه به اینکه جهت گردآوری داده‌ها ابتدا از شیوه مصاحبه استفاده شده، سپس بر اساس مطالعه اسناد و مدارک موجود در ادبیات و پیشینه پژوهش به تحلیل محتوای مضامین و مقوله‌بندی داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها پرداخته شد، لذا در ابتدا از شیوه کیفی و پس‌از آن در مرحله کمی فراوانی تکرار هر علت مشخص و با استفاده از فرمول‌های کمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت به ترکیب نتایج کیفی و کمی و نتیجه‌گیری پرداخته شده لذا به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از روش ترکیبی متوالی اکتشافی استفاده شده است.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق توافقی ارجاع داده شده از طریق ثبت‌نام در سامانه زمان بودند که با درخواست طلاق توافقی به مراکز روان‌شناختی شهرستان دزفول برای مشاوره در سال ۱۴۰۱ ارجاع داده شده‌اند. و از این جامعه، نمونه آماری به شیوه نمونه‌گیری در دسترس و عملیات نمونه‌گیری تا حد اشباع ادامه پیدا کرد و در نهایت تعداد ۶۲ زوج معادل ۱۲۴ نفر (۶۲ زن و ۶۲ مرد) به‌عنوان نمونه آماری مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزار گردآوری داده‌ها یک مصاحبه ساختاریافته که توسط سازمان بهزیستی طراحی شده و یک مصاحبه نیمه ساختاریافته پژوهشگر ساخته بود که در آن به زوجین اجازه داده شد که آزادانه به سؤالات جواب داده و مشکلات خود را بیان نمایند، مصاحبه‌های انجام شده توسط روان‌شناس بالینی و در مراکز مشاوره صورت گرفت. مدت مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید.

روش تحلیل داده‌ها

ابتدا داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها در قالب علل طلاق توافقی زنان و مردان متقاضی طلاق توافقی گردآوری، سپس بر اساس مطالعه اسناد و مدارک موجود در ادبیات و پیشینه پژوهش و با استفاده از روش تحلیل محتوا، به

مقوله‌بندی علت‌های طلاق هر یک از زوجین، در قالب مقوله‌های اصلی و فرعی پرداخته شد. لذا در مرحله اول از شیوه کیفی تحلیل محتوا جهت تحلیل داده‌های کیفی استفاده شد، پس از آن در مرحله کمی، فراوانی تکرار هر علت با استفاده از مقیاس اسمی مشخص و با استفاده از فرمول خی دو و نرم‌افزار SPSS ورژن ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت با ترکیب نتایج کیفی و کمی به نتیجه‌گیری پرداخته شد.

یافته‌ها

بخش کیفی

جدول ۱. نتایج مصاحبه‌ها در قالب مقوله‌های اصلی و فرعی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
اجتماعی-فرهنگی	مداخله اطرافیان-ضرب و شتم-اعتیاد-خیانت-ازدواج اجباری
اقتصادی	بیکاری و فقر
تفاوت‌های فردی-شخصیتی	نارضایتی جنسی-بی‌اعتنایی به همسر-سوءظن و بدبینی

نتایج مصاحبه‌ها به‌طور خلاصه نشان داد که مقوله‌ی اصلی اجتماعی-فرهنگی دارای ۵ مقوله‌ی فرعی مداخله اطرافیان، ضرب و شتم، اعتیاد، خیانت و ازدواج اجباری هست. به‌طور خلاصه می‌توان بیان کرد که بسیاری از اختلافات زناشویی به دلیل دخالت‌های غیرمنطقی خانواده‌هاست چه از زمان تصمیم‌گیری برای ازدواج که گاه با اجبار خانواده‌ها دختر و پسر به عقد همدیگر درمی‌آیند و چه بعد از ازدواج که بسیاری از خانواده‌ها به خود اجازه‌ی دخالت در زندگی خانوادگی فرزندان را می‌دهند که این دخالت‌ها خود باعث ناسازگاری در زندگی زوجین شده و از طرفی درگیری‌های کلامی و فیزیکی که بین زوجین به وجود می‌آید روابط زناشویی را دچار مشکل می‌کند. دو مقوله‌ی فرعی اعتیاد و خیانت نیز حائز اهمیت هستند، اعتیاد به مواد مخدر یا الکل تأثیرات بسیار زیادی روی خلق و خوی افراد گذاشته و باعث تنش‌ها و خشونت‌هایی در خانواده می‌شود و بی‌توجهی به مسئولیت‌های فردی را به دنبال دارد و از طرفی خیانت به‌عنوان مقوله‌ی فرعی دیگر نیز باعث آسیب‌های عاطفی و روحی فراوانی شده و این مسئله باعث از دست دادن عشق و بی‌توجهی و دور شدن زن و شوهر از همدیگر هست.

مقوله‌ی اصلی اقتصادی نیز شامل ۱ مقوله‌ی فرعی بیکاری و فقر هست. بیکاری اثرات مهمی بر درآمد افراد دارد. افراد بیکار میزان کمتری از تفاهم و ارتباط در روابط خانوادگی را دارند. در نتیجه فشار اقتصادی به‌مرور زمان روابط زن و شوهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین فقر باعث کاهش عزت نفس مرد می‌شود.

مقوله‌ی اصلی تفاوت‌های فردی-شخصیتی نیز شامل ۳ مقوله‌ی فرعی نارضایتی جنسی، بی‌اعتنایی به همسر و سوءظن و بدبینی هست. گزینه‌ی جنسی یکی از غرایز نهفته در وجود انسان است و ارضای نیازهای جنسی برای هر دو طرف شریک جنسی امری ذاتی و ضروری هست. نارضایتی جنسی شامل محرومیت جنسی، آزار جنسی و بی‌میلی جنسی و روابط نامشروع است که هر کدام به‌نوبه‌ی خود باعث اختلافات و فروپاشی زندگی می‌شوند و از طرفی بی‌اعتمادی و بدبینی زوجین را نسبت به هم به دنبال دارد. سوءظن و بدبینی به همسر نقش مهمی در اختلافات زناشویی دارد و از طرفی عدم توجه به همسر مخصوصاً توجه عاطفی از طرف مرد به زن موجب می‌شود که زن احساس کند که دیگر همسرش او را دوست ندارد و به خواسته‌های او توجهی نمی‌کند که این امر خود باعث بروز مشکلات زناشویی شده است.

نتایج مطالعه ادبیات نظری و پیشینه پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که در ایران بسیاری از اختلافات زناشویی نتیجه‌ی دخالت‌های نابجا و غیرمنطقی خانواده‌های اصلی در روابط زناشویی زوجین است. متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها پس از ازدواج به استقلال فرزندان خود احترام نمی‌گذارند و به خود اجازه هرگونه مداخله را می‌دهند. در بسیاری از موارد پدران و مادران از هر لحاظ فرزندان خود را تکه‌ای از وجود خود می‌دانند و این اجازه را می‌دهند که درباره‌ی مسائل

زناشویی آن‌ها تصمیم‌گیری یا اظهارنظر کنند. در این‌گونه موارد والدین به تمایز خود از فرزندان خویش نرسیده‌اند. در مواردی هم مشاهده می‌شود که فرزندان به تمایز خود از دیگری نرسیده‌اند. این تمایز به معنای قطع رابطه نیست بلکه بدین معناست که والدین و فرزندان ضمن حفظ حس استقلال خویشتن و احترام به حریم‌های خصوصی یکدیگر، همچنان به هم محبت کنند و در عین دوست داشتن یکدیگر، اجازه‌ی دخالت به حریم‌های خصوصی و زناشویی را ندهند. این به معنای بی‌احترامی به یکدیگر و در عین حال به معنای پرستش یکدیگر نیست (یونسی، ۱۳۸۸).

تحقیقات نشان داده‌اند که ابراز فعالانه محبت و سایر عواطف مثبت با تداوم رضایتمندی از رابطه، در ارتباط است در مقابل الگوهای دیگر از قبیل اهانت کردن، بی‌زاری، ترس یا کناره‌گیری عاطفی از همسر، پیش‌بینی کننده‌ی فروپاشی رابطه و گام‌هایی در جهت جدایی هستند (هنریان و یونسی ۱۳۹۰). یافته‌های پژوهش ساروخانی و قاسمی (۱۳۹۲) نشان داده که آشنایی قبل از ازدواج و مدت دوران نامزدی در متقاضیان طلاق توافقی کم بوده است و در میان مردان متقاضی طلاق توافقی دارای سابقه‌ی مصرف مواد مخدر بوده‌اند. علاوه بر این بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی به ترتیب مربوط به دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، دروغ‌گویی، سوءظن و بدبینی، اعتیاد، بی‌توجهی، تنفر و نداشتن علاقه و خیانت بوده است.

بخش کمی

بین علت طلاق از دیدگاه زوج و زوجه تفاوت وجود دارد.

جدول ۲. علت طلاق از دیدگاه زوج و زوجه

Sig	d.f	X ²	علل طلاق	
			زوج	زوجه
				مقوله اصلی
				مقوله فرعی
			۱۰	اعتیاد
			۱۸	دخالت اطرافیان
			۱۶	خیانت
			۳۸	ضرب و شتم
0/0001	۸	۲۹/۰۱۷	۳	ازدواج اجباری
			۳۷	نارضایتی جنسی
			۲۸	بی‌اعتنایی به همسر
			۱۶	بدبینی و سوءظن
			۳۰	بیکاری و فقر
			۱۱	فردی - شخصی
				اقتصادی

با توجه به داده‌های جدول شماره (۲) بیشترین فراوانی علت طلاق در آقایان به ترتیب نارضایتی جنسی، بی‌اعتنایی همسر و دخالت اطرافیان ذکر شده و بیشترین فراوانی علت طلاق در خانم‌ها به ترتیب ضرب و شتم، نارضایتی جنسی و بیکاری و فقر شوهر را بیان داشته‌اند. همچنین نتایج جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که X^2 محاسبه شده ۲۹/۰۱۷ با درجه آزادی ۸ از X^2 جدول بحرانی در سطح 0/01 بزرگ‌تر است؛ بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر رد می‌شود؛ بنابراین بین علت طلاق توافقی از دیدگاه زوجین تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بیشترین علل طلاق توافقی از دیدگاه آقایان به ترتیب مربوط به نارضایتی جنسی، بی‌اعتنایی به همسر و دخالت اطرافیان است و همچنین از دیدگاه خانم‌ها به ترتیب ضرب و شتم، نارضایتی جنسی و بیکاری و فقر اقتصادی شوهر بوده است؛ نتیجه‌ی مقوله نارضایتی جنسی با نتایج پژوهش خالقی و همکاران (۱۴۰۰)، بهرامی (۱۳۹۸)، موسوی (۱۳۹۵)، نورسفییه (۲۰۲۰) و آماتور و راجرز (۱۹۹۷) همخوانی داشت. نتیجه مقوله بی‌اعتنایی به

همسر با نتایج پژوهش ساروخانی و قاسمی (۱۳۹۲)، هنریان و یونسی (۱۳۹۰)، زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) و آماتور و راجرز (۱۹۹۷) همخوانی دارد. مقوله دخالت اطرافیان با نتایج پژوهش پور نصیری و همکاران (۱۳۹۶)، موسوی (۱۳۹۵)، حسینی (۱۳۹۴) و قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۲) همخوان هست. مقوله ضرب و شتم با نتایج پژوهش قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۲)، سورجانتی (۲۰۲۳)، موتالیونا (۲۰۲۲) و گاتمن و همکاران (۱۹۹۹) همخوانی داشت. مقوله نارضایتی جنسی با نتایج پژوهش احمدی و امینی (۱۴۰۱)، خالقی و همکاران (۱۴۰۰)، بهرامی (۱۳۹۸)، موسوی (۱۳۹۵)، بلوردی و همکاران (۱۳۹۴)، نورسفییه (۲۰۲۰)، آماتو و راجرز (۱۹۹۷) همخوانی دارد. مقوله اقتصادی با نتایج پژوهش دماری و همکاران (۱۴۰۱)، خالقی و همکاران (۱۴۰۰)، دلیری (۱۳۹۸)، سورجانتی (۲۰۲۳)، آکتر (۲۰۱۲)، کالمیجن و همکاران (۲۰۰۴) همخوانی داشت.

اما در نهایت ساروخانی و قاسمی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند در طلاق توافقی، زنان مهم‌ترین دلایل خود را برای طلاق ناسازگاری، تنفر از شوهر، عدم توجه شوهر به خواسته‌ها و توقعات، دخالت خانواده شوهر، عدم تحمل شوهر و لجبازی برشمرده‌اند. در مقابل مردان مهم‌ترین دلایل خود را برای جدایی به صورت زیر بیان کرده‌اند: عدم استقلال زن (وابستگی به خانواده)، عدم علاقه به همسر، دخالت اطرافیان و ناآگاهانه بودن ازدواج ذکر کرده‌اند. همچنین برخی نتایج پژوهش‌های گذشته مثل زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) نشان دادند که بیشترین علل تقاضای طلاق به ترتیب مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین است گاتمن و همکاران (۱۹۹۹) نشان دادند که زمینه‌ی خانوادگی و تاریخیچه طلاق در خانواده نقش منفی‌ای در رضایت زناشویی ایفا می‌کنند و باعث افزایش مشاجرات زوجین می‌شود. آماتو و راجرز (۱۹۹۷) در پژوهش خود به مؤلفه‌هایی نظیر خیانت جنسی، نوشیدن الکل، ولخرجی در پول و بداخلاقی را به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بروز پدیده طلاق معرفی نمودند که در این میان خیانت جنسی قوی‌ترین پیش‌بینی کننده محسوب می‌شود.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش را می‌توان این‌گونه بیان کرد: زوجینی که در آستانه طلاق هستند به نوعی متخصصان در مقابل همدیگر قرار گرفته و هریک سعی در تخریب و مقصر جلوه دادن دیگری دارد که این جو و شرایط حاکم موجب سوگیری و اخلال در فرایند تشخیص دقیق علل طلاق می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود مشاور و یا پژوهشگر قبل از انجام مصاحبه و تشخیص علل طلاق باید در حد توانایی به دنبال برهم زدن این جو حاکم بر محیط مصاحبه باشد تا اطلاعات دقیق‌تر و با سوگیری کمتری حاصل شود. همچنین این پژوهش در شهرستان دزفول انجام شده و به دلیل تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی هر منطقه، قابل‌تعمیم به دیگر نقاط کشور نیست. بنابراین به پژوهشگرها پیشنهاد پژوهش‌های مشابه در سایر نقاط کشور می‌شود. همچنین با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود همانند مشاوره‌های اجباری قبل از طلاق مشاوره‌های اجباری پیش از ازدواج توسط دولت برنامه‌ریزی شود و حداقل ۳ الی ۵ جلسه مشاوره برای زوجینی که قصد ازدواج دارند توسط مراکز مشاوره‌ای که زیر نظر سازمان بهزیستی یا سازمان نظام روان‌شناسی و داری گروه متخصص در این زمینه هستند برگزار گردد؛ و در دوران عقد نیز زوجین را تنها نگذاشته و با آموزش‌های لازم در زمینه مهارت‌های زندگی آن‌ها را راهنمایی کرده و کارگاه‌هایی در زمینه آموزش مهارت‌های زندگی و تهیه بروشورهایی در این زمینه قبل از ازدواج در اختیار زوجین قرار دهند. همچنین آموزش مهارت‌های ارتباطی و زناشویی لازمی یک زندگی موفق هست. شناخت نیازهای هر یک از زوجین نسبت به هم از مسائل مهمی هست که در جلسات مشاوره پیش از ازدواج نیز می‌توان مشخص کرد.

منابع

احمدی، فاطمه و امینی، کبرای. (۱۴۰۱). علل افزایش طلاق در جوامع غربی. پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، ۸۵(۸)، ۶۹-۸۹.

- اسحاقی، محمد؛ محبی، فاطمه؛ پروین، ستار و محمدی، فریبرز (۱۳۹۱). سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران. زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۳)، ۹۷-۱۲۴.
- امیدیان فر، مریم؛ قادری، زهرا و افشون، اسفندیار (۱۳۹۴). اثربخشی غنی‌سازی روابط بین زوجین بر کاهش تعارضات زناشویی در کارکنان ادارات مختلف شهر یاسوج. مجله ارمغان دانش، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، ۲۰(۶)، ۵۳۸-۵۴۷.
- بلوردی، طیبه؛ بلوردی، زهیر مصطفی؛ آقاجانی، محمود (۱۳۹۴). عوامل تعیین‌کننده گرایش به طلاق توافقی: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت؛ ۴(۴): ۴۴۸-۴۵۵.
- پور نصیری، ثریا؛ روستاخیز، بهروز؛ بوستانی، داریوش (۱۳۹۶). کندوکاو پدیده طلاق توافقی (مورد مطالعه: مردان شهرستان تالش در سال ۱۳۹۳). فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۱۲(۲)، ۱۷۲-۱۴۳.
- تاج‌بخش، غلامرضا. (۱۳۹۹). عوامل فردی مؤثر بر وقوع طلاق در شهرستان بروجرد. مجله جمعیت، ۲۶(۱۰۷)، ۴۱-۵۲.
- حسینی، فاطمه؛ رضاپور، محمد و ساعتلو، عصمت. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش میزان طلاق (مورد مطالعه: زوج‌های متارکه کرده شهرستان سرپل ذهاب استان کرمانشاه). فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی، ۴(۲)، ۳۳-۴۱.
- خالقی، محمد؛ کرای، امین و شهبازی، مسعود. (۱۴۰۰). شناسایی علل طلاق زنان فاقد فرزند (مرحله ابتدایی چرخه زندگی زناشویی). فصلنامه زن و جامعه، ۱۲(۴۶)، ۱۷۳-۱۸۹.
- دلیری، حسن. (۲۰۱۹). شناسایی متغیرهای اقتصادی مؤثر بر طلاق در ایران. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۷(۲)، ۳۵-۶۲.
- دماری، بهزاد؛ مسعودی فرید، حبیب‌الله؛ حاجبی، احمد؛ درخشان نیا، فریبا و احسانی چینه، الهام. (۱۴۰۱). روند شاخص‌ها، عوامل مؤثر و مداخلات طلاق در ایران. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۲۸(۱)، ۷۶-۸۹.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علی وردی نیا، اکبر و بهرامی کاکاوندی، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه). پژوهش زنان، ۵(۳)، ۱۳۰-۱۰۹.
- زرگر، فاطمه و طاهر نشاط دوست، حمید (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. فصلنامه‌ی خانواده پژوهی. سال سوم. ۳(۱۱).
- سازمان ثبت‌احوال کشور (۱۴۰۲)، (<https://www.sabteahval.ir/home>)
- ساروخانی، باقر و قاسمی، علیرضا (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر افزایش طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده. ۷(۲۱).
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آوای نور، چاپ ۱۱.
- عباسی، محمدباقر؛ علیرزاده، مرجان؛ امیدوار شلمانی، صدیقه؛ حسینی، محمد؛ خطیبی، آمنه و صفا کیش، محدثه (۱۳۹۷). طلاق در ایران، تهران: سازمان ثبت‌احوال کشور.
- قاسمی، علیرضا و ساروجانی، باقر (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی طلاق و سلامت روانی - اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده ۸(۲۶)، ۷-۳۸.
- قاسمی، علیرضا و ساروجانی، باقر. (۱۳۹۲). عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی (شهرستان کرمانشاه). تغییرات اجتماعی- فرهنگی، ۳۹(۱۰)، ۶۹-۸۷.
- کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۳۵(۹)، ۱۸۰-۱۹۸.

- مشفق، محمود. (۱۳۹۵). سنجش اندازه اثر تعیین کننده‌های گرایش به طلاق در پیمایش‌های انجام شده طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۴. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۳(۹)، ۱-۴۱.
- محمدتقی زاده، مهدیه. (۱۳۹۹). تجربه مشاوره اجباری بین متقاضیان طلاق توافقی در شهر تهران. پژوهش نامه زنان، ۱۱(۳۱)، ۸۳-۱۱۲.
- مظاهری، مصطفی؛ بهرامی، فاطمه؛ گودرزی، کورش و صادقی، مسعود. (۱۳۹۸). مطالعه کیفی علل طلاق توافقی به روش تحلیل مضمون؛ یک مطالعه پدیدار شناختی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۱۴(۵۶)، ۴۷-۷۶.
- موسوی، مهری سادات. (۱۳۹۵). بازنمایی معنایی طلاق توافقی. خانواده پژوهی، ۱۲(۴۶)، ۲۸۷-۳۰۴.
- مهرپور محمودآبادی، حسین (۱۳۵۲) طلاق با توافق زوجین در حقوق ایران، دانشگاه تهران، حقوق خصوصی.
- هنریان، مسعوده و یونسی، جلال (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران. مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۳(۳)، ۱۲۵-۱۵۳.
- یعقوبی چوبری، علی؛ کنعانی، محمدحسین و یحیی پور، راضیه (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک زندگی و گرایش به طلاق توافقی در بین شهروندان شهر رشت. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶(۱۴)، ۱۲۱-۱۴۸.
- یونسی، جلال (۱۳۸۸). مدیریت روابط زناشویی، آسیب‌ها و راه‌حل‌ها در روابط زناشویی. نشر قطره.

Akter, M. & Begum, R. (2012). Factors for divorce of women undergoing divorce in Bangladesh. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53(8), 639-651.

Amato, Paul. R. & Rogers. S. J. (1997). Alongitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Marriage and family*. (59).612-624.

Cronina, S. Becherb, E. H., Mc Cannb, E., Mc Guirec, J., & Powellb, S.(2017) Relational conflict and outcomes from an online divorce education Program. *Evaluation and Program Planning*, 62, 49-55

Dohherty, H. W. (2007). How Common Is Divorce and What Are the Reasons? *Journal of Family Issues*, 29(13), 41-63.

Guttman, J & other. (1999). Withdrawal threshold in interpersonal conflict among adolescents of divorced parents. *Educational Psychology*, 19, 181- 198.

Kalmijan et al. (2004), quoting Yaghoubi Chooari, Ali, Mohammad Amin Kanani and Razieh Yahya Pour, "Study of the relationship between lifestyle and the tendency to consensual divorce among the citizens of Rasht", *Quarterly Journal of Sociology of Social Institutions*, Volume 4-1, No. 48-1.

Mutalibovna, A. M. (2022). Causes Of Family Divorce And Issues Of Its Elimination. *Journal of Positive School Psychology*, 6(11), 1565-1572.

Nursyifa, A. (2020). Shifting causes of divorce in Indonesia due to social media in sociological perspective. *Solid State Technology*, 63(2), 9932-9946.

Rijavec Klobučar, N., & Simonič, B. (2018). Risk factors for divorce in Slovenia: A qualitative study of divorced persons' experience. *Journal of Family Studies*, 24(3), 291-306.

South, S & Llyod, K. (1995). Spousal Alternatives and marital dissolution. *American Sociological Review*.60.21-33.

Stepler, R. (2017). Led by Baby Boomers, divorce rates climb for America's 50+ population. Washington, DC: Fact Tank: Pew Research Center.

Tobaccowala, Sh. (2011). The Experience of Divorce and the Perceived Impact of Education on the Decision to Divorce among Divorced Women of India, Walden University: 236.